



پیام باستان‌شناسی

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۹۸۸۶-۲۹۸۰

دوره ۱۷، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۴۰۴



بازشناسی عناصر شرقی و ایرانی - اشکانی در فرهنگ خاراکنه با توجه به شواهد سکه‌شناختی

آتوسا سادات زرگریان^۱، میرزا محمد حسنی^۲، عسگر بهرامی کھیش‌نژاد^۳

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ استادیار، گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. نویسنده مسئول: mohamadhassani68@yahoo.com

^۳ استادیار، بخش ادبیات و زبان‌ها، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله:
شاهنشاهی اشکانی یکی از مهم‌ترین سلسله‌های ایران باستان به‌شمار می‌رود که تأثیر چشم‌گیری بر جهان باستان داشته است؛ از این‌رو، سکه‌های این حکومت از منابع اصلی برای مطالعات تاریخی این دوره محسوب می‌شوند. اشکانیان در آغاز، عناصر یونانی را در ضرب سکه‌های خود به‌کار می‌بردند؛ این عناصر در نقوش، نوشتارها و پوشش شاهان بر سکه‌ها به‌وضوح قابل مشاهده‌اند. در سال ۱۴۰ ق.م، که دوران اوج قدرت اشکانیان بود، بین‌النهرین به تصرف آن‌ها درآمد و شاهک‌نشین‌های غربی ایران تحت نفوذشان قرار گرفتند. یکی از این شاهک‌نشین‌ها دولت محلی خاراکنه بود. خاراکنه نیز تحت تأثیر اشکانیان، سبک سکه‌های خود را از الگوهای یونانی به شیوه‌های ایرانی تغییر داد. این تأثیرگذاری، از نیمه سده دوم ق.م، یعنی از زمان مهرداد سوم (۱۴۲ ق.م)، در سکه‌های خاراکنه مشهود است. این تغییرات در بخش بالاتنه، آرایش موی سر و نوع کلاه شاهان خاراکنه به‌خوبی نمایان شده‌اند و نمونه‌های آن شامل چهار سکه مشخص است. در این مقاله تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که روند نفوذ عناصر ایرانی بر سکه‌های اشکانی و سپس بر سکه‌های خاراکنه، از چه زمانی آغاز شده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است.	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳ واژگان کلیدی: اشکانیان عناصر ایرانی عناصر یونانی خاراکنه سکه‌شناسی

* استناد: زرگریان، آتوسا سادات، حسنی، میرزا محمد، بهرامی کھیش‌نژاد، عسگر (۱۴۰۴). بازشناسی عناصر شرقی و ایرانی - اشکانی در فرهنگ

خاراکنه با توجه به شواهد سکه‌شناختی. *پیام باستان‌شناسی*، ۱۷ (۳۲)، ۵۱-۶۵.

<https://doi.org/10.71794/peb.2025.1206472>

مقدمه

شاهنشاهی اشکانی حدود پنج قرن بر ایران حکومت کرد و نقش مهمی در تحولات دنیای باستان ایفا نمود. زمانی که اشکانیان به قدرت رسیدند، بیش از ۸۰ سال از آغاز سلطه سلوکیان بر ایران می‌گذشت؛ دورانی که فرهنگ و زبان یونانی (هلنیستی) تأثیر چشم‌گیری بر ساختار سیاسی و فرهنگی ایران گذاشته بود. اشکانیان در آغاز، عناصر یونانی را در طراحی سکه‌های خود به کار گرفتند؛ اما با تثبیت قدرت، بهره‌گیری از عناصر ایرانی، به‌ویژه میراث هخامنشی، را آغاز کردند و به‌تدریج میزان استفاده از مؤلفه‌های یونانی در سکه‌های آن‌ها کاهش یافت. این روند تا پایان حکومت اشکانی و ظهور ساسانیان ادامه داشت.

شاهنشاهی اشکانی، که توسط ارشک در سال ۲۴۷ ق.م بنیان نهاده شد و جانشینانش آن را گسترش دادند، متشکل از ساتراپی‌ها و شاهک‌نشین‌های مستقل و نیمه‌مستقل بود که همگی تحت فرمان پادشاه اشکانی قرار داشتند. برخی از این شاهک‌نشین‌ها در امور داخلی استقلال داشتند و برخی دیگر متحدان سیاسی اشکانیان محسوب می‌شدند. برخی از آن‌ها توسط شاهزادگان اشکانی اداره می‌شدند و گروهی نیز تحت فرمان خاندان‌های محلی بودند که تابعیت اشکانیان را پذیرفته بودند.

شاهک‌نشین خاراکنه یکی از مهم‌ترین دولت‌های محلی در دوره اشکانی به‌شمار می‌رفت که از همان آغاز، دستیابی به آن برای اشکانیان، با هدف تثبیت قدرت و دفاع از مرزهای غربی در برابر تهدیدات دشمنان، اهمیت راهبردی داشت. این شاهک‌نشین ابتدا تحت فرمان سلوکیان قرار داشت، اما پس از مدتی ادعای استقلال کرد. در دوره آغازین حکومت اشکانیان، فرمانروایی خاراکنه در دست هیسپائوسین بود. مهرداد دوم اشکانی، که این شاهنشاهی را به اوج قدرت رساند، تا سرزمین بین‌النهرین پیشروی کرد و شاهک‌نشین خاراکنه را زیر سلطه خود درآورد. از آن پس، خاراکنه به دولتی نیمه‌مستقل تبدیل شد که ضمن حفظ برخی اختیارات داخلی از جمله انتخاب حاکم و ضرب سکه، تحت نظارت حکومت مرکزی اشکانی اداره می‌شد.

این پژوهش به بررسی تأثیر عناصر ایرانی در سکه‌های اشکانی و در ادامه، سکه‌های شاهک‌نشین خاراکنه می‌پردازد و تلاش دارد نشان دهد که شاهنشاهی اشکانی تا چه اندازه بر دولت‌های تابع خود، همچون خاراکنه، اثرگذار بوده است. با توجه به کمبود منابع مکتوب درباره شاهنشاهی اشکانی، پژوهش‌های سکه‌شناختی از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات این دوره برخوردارند. از این رو، در این مقاله تلاش شده است تا با بهره‌گیری از منابع موجود در زمینه سکه‌شناسی، تأثیر یادشده بررسی شود.

از جمله منابع برجسته در این زمینه می‌توان به کتاب دیوید سلوود (۱۹۸۰) با عنوان مقدمه‌ای بر سکه‌های اشکانی اشاره کرد. فابریزیو سینیسی نیز آثاری به زبان انگلیسی درباره سکه‌های اشکانی تألیف کرده است. همچنین، کتاب فارسی کیارش غلامی با عنوان بازنگری تاریخ و سکه‌شناسی اشکانیان قابل ذکر است که البته بیشتر به تفسیر نقش سکه‌ها پرداخته، نه تحلیل ساختاری آن‌ها. در حوزه سکه‌های خاراکنه نیز می‌توان به کتاب یوسف افتخاری با عنوان سکه‌شناسی شاهان خاراسن اشاره کرد که به‌صورت خلاصه، به معرفی و شرح ویژگی‌های سکه‌های پادشاهان خاراکنه می‌پردازد.

سکه‌های اشکانیان

واحد پولی اشکانیان «درهم» بود که شامل چهاردرهمی و یک‌درهمی می‌شد و خود به واحدهای کوچک‌تری به نام اُبول (شامل سه‌ابولی، دوابولی و یک‌ابولی) و نیز کالکون (شامل هشت‌کالکونی، چهارکالکونی، دوکالکونی و یک‌کالکونی) تقسیم می‌گردید؛ به‌گونه‌ای که هر یک درهم معادل شش اُبول، و هر اُبول معادل هشت کالکون بوده است (غلامی، ۱۳۹۲: ۲۹).

نخستین سکه‌های اشکانی از نظر سبک و سیاق کاملاً سلوکی بودند. الگوی ساختاری مسکوکات سلوکی بر پایه سکه‌های اسکندر مقدونی شکل گرفته بود و این سکه‌ها همان عیار سکه‌های آتنی را داشتند. نقره وارداتی عمدتاً به‌صورت شمش مورد استفاده قرار می‌گرفت و سکه اصلی،

اندیشه‌های ایرانی، هویت ملی ایرانیان را احیا کنند (سنگاری و کرباسی، ۱۳۹۹: ۱۹۴).

بر روی مسکوکات اشکانی، تصویر فرمانروا به صورت نیمرخ نقش شده است که اغلب به سمت چپ، گاهی به سمت راست، و به ندرت به صورت تمامرخ دیده می‌شود. این در حالی است که در مسکوکات سلوکی، نیمرخ پادشاه همواره به سمت راست است و موها با سربندی خاصی بسته شده‌اند. در سکه‌های اشکانی، تغییرات چهره، آرایش ریش و موی شاهان به وضوح مشاهده می‌شود و اغلب کلاه‌های به نام باشلق بر سر دارند که گونه‌ای از پوشش مخصوص صحراگردان به شمار می‌رود.

در پشت سکه‌های سلوکی، تصویر آپولون، ایزد یونانی، به صورت برهنه در حالت نشسته یا ایستاده نقش بسته است که در یک دست کمان و در دست دیگر تیر دارد. در کنار تصویر، نام پادشاه همراه با القاب سلطنتی او به خط یونانی نوشته شده است. اما در پشت مسکوکات اشکانی، به جای آپولون، تصویر یک جنگاور دیده می‌شود که جامه صحرانشینان بر تن دارد و در حالی که کمانی در دست دارد، بر روی چهارپایه‌ای نشسته است. در حاشیه این تصویر، نوشته‌ای یونانی نقش بسته که ترجمه آن «ارشک، سردار برگزیده» است.

نکته قابل توجه آن است که کمان جنگاور اشکانی با کمان آپولون سلوکی تفاوت دارد. اشکانیان برای حفظ هویت قومی و فرهنگی خود، در عین بهره‌گیری از قالب‌های هلنی، کوشیدند سکه‌ها را ایرانی‌سازی کنند؛ این روند از تصویر پشت سکه‌ها آغاز شد. در این تصاویر، شاه با پوشش رزمی ظاهر می‌شود که نماد جنگجویی و دلآوری است؛ موضوعی که تا اواخر سلطنت مهرداد یکم دستخوش تغییراتی شد. تصویر شاه در سکه‌های اشکانی با ریش و سیل، چهره‌ای کاملاً ایرانی را بازنمایی می‌کند (سودابی، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۵).

نماهای کلی سکه‌های اشکانی زمخت‌تر، قسمت‌های برجسته روشن‌تر، و وضوح حروف یونانی روی سکه‌ها کمتر است. سکه‌ها معمولاً در اندازه‌های کوچک می‌باشند و اغلب دارای ارزش بالا و گاه بی‌نظیری هستند. بیشتر

چهاردرهمی سیمین با وزن تقریبی ۱۷ گرم بود. سکه‌های برنزی با وزن‌ها و اندازه‌های متنوع نیز ضرب می‌شدند که به آن‌ها کالکو (Chalkos) گفته می‌شد.

تصاویر پشت سکه‌های نقره‌ای سلوکی شامل لنگر، کمان، تیردان، فیل در حال حرکت، سر زئوس، و آتنا سوار بر فیل بودند. رایج‌ترین تصویر، آپولون را در نمای نیمرخ چپ نشان می‌دهد که بر قبه‌ای نشسته و کمانی در دست دارد. بر پشت این سکه‌ها حروفی با استاندارد مشخص و خوانا ضرب شده است. تصویر ثابت روی سکه‌ها، نیمرخ پادشاه است که در سکه‌های آنتیوخوس دوم و سلوکوس دوم از نمای راست دیده می‌شود. همچنین، تصویر آپولون در حالت ایستاده یا نشسته، با تیری در دست راست و کمانی در دست چپ، روی پشت سکه‌ها نقش بسته است. در زیر کمان و قبه نیز علائم ضرباخانه و نوشته‌هایی دیگر به چشم می‌خورد (Sellwood, 1980: 10-12).

سکه‌های سلوکی اغلب تصویر نیمرخ راست و بدون ریش شاه را دارند. نخستین گونه از سکه‌های ارشک یکم (۲۴۷-۲۱۱ ق.م) نیز با همین ویژگی ضرب شده است (سلوود، ۱۳۸۹ الف: ج ۳، ص ۳۸۲). متن نوشته‌های این سکه‌ها به زبان یونانی است؛ اما از دوران بلاش یکم (سده اول میلادی)، نوشته‌ها به زبان پهلوی اشکانی تغییر می‌یابند. جنس سکه‌ها معمولاً از نقره، مس یا برنز بوده است و ضرب آن‌ها احتمالاً کمی پس از نیمه سده سوم ق.م آغاز شده و در شهرهایی مانند اکباتان، سلوکیه بر دجله و دیگر شهرهای یونانی منطقه بین‌النهرین صورت گرفته است (جعفری‌دهقی، ۱۳۹۳: ۳۶۳-۳۶۴).

کاربرد عنوان «فیل‌هلن» (Philhellene) بر سکه‌های اشکانی، نه به معنای تسلیم کامل آن‌ها در برابر فرهنگ هلنی بوده و نه به منزله طرد دستاوردهای ایرانی. آنچه در واقع رخ داد، گرایشی مجدد به تفکر ایرانی بود که ریشه در آموزه‌های زردشتی در دوران هخامنشی داشت؛ تفکری که اسکندر و سلوکیان نتوانسته بودند آن را بازآفرینی کنند. این بار، احیای شکوه ایران باستان، وظیفه‌ای بود که بر دوش پادشاهان اشکانی قرار گرفت تا از طریق گسترش

به نیازهای بازارهای محلی و معاملات خرد به کار می‌رفت. در برخی دوره‌ها، سکه‌های مسی در حجم بالایی ضرب می‌شدند. برخلاف الگوی سلوکی، سکه رایج اشکانیان درهم (drachm) بود که غالباً در اکباتان ضرب می‌شد. گونه بزرگ‌تر این سکه یعنی چهاردرهمی (tetradrachm) که در شمار کمتری موجود است، منحصراً در سلوکیه تیسفون ضرب می‌گردید و از زمان فرهاد چهارم به بعد، تولید آن افزایش یافت. در چهاردرهمی‌ها به‌مرور زمان، کاهش وزن و عیار نیز مشاهده می‌شود.

ارزش سکه‌های مسی، از هشت کالکو (octachalkon) تا یک کالکو (chalkos) متغیر بود. سکه یک کالکو کم‌ارزش‌ترین واحد پولی در میان مسکوکات مسی بود، اما بیشترین فراوانی را داشت. تولید سکه معمولاً در ضرباخانه‌های معتبر اشکانی مانند سلوکیه تیسفون، اکباتان، راگا (ری)، میتدرات‌کرت، نسا و شوش انجام می‌شد. معمولاً حروف نخستین نام ضرباخانه بر روی سکه‌ها درج می‌شد. همچنین، بر روی چهاردرهمی‌ها، به تقلید از الگوی سلوکی، حروف اول نام مسئول ضرباخانه نیز ضرب می‌شد.

برخی از سکه‌هایی که با اهداف نظامی ضرب می‌شدند، نام ایالت مربوطه، مانند هرات یا مرو را بر خود داشتند. در دوران حکومت فرهاد دوم و سناتروک، این نوع سکه‌ها گاهی در ضرباخانه‌های سیار ضرب می‌شدند. بر روی چهاردرهمی‌ها، تاریخ ضرب سکه بر اساس تقویم سلوکی و نام ماه به تقویم مقدونی دیده می‌شود. بر درهم‌ها، تاریخ ضرب به‌ندرت درج شده است، اما در دوره‌های بعد، گاهی حتی بر سکه‌های مسی نیز تاریخ ضرب دیده می‌شود.

نقوش سکه‌ها به سبک یونانی طراحی شده بودند، ولی در جزئیات آن‌ها می‌توان نشانه‌هایی از سنت‌های ایرانی را بازشناخت. تصویر سر پادشاه همواره بر روی سکه‌ها دیده می‌شود که تاج شاهی ایرانی بر سر دارد؛ گاه جزئیاتی چون رشته‌ای از پوست گوزن که بر تاج فرهاد دوم نقش بسته، به روشنی ریشه‌های ایللیاتی و عشایری شاه را بازتاب می‌دهد. معمولاً سر پادشاه رو به چپ نقش می‌شود، و این الگو تا دوره مهرداد دوم ادامه داشته است. در مقابل، در سکه‌های

سکه‌های اشکانی علائمی دارند که معنی و مفهوم اغلب آنها روشن و آشکار نیست. گروهی از این علائم و نشانه‌ها متعلق به شهرهایی است که سکه‌های اشکانی در آنها ضرب شده‌اند. تا قبل از مهرداد یکم بر روی مسکوکات اشکانی علامت ضرباخانه دیده نمی‌شود و نخستین سکه‌ای که به طور یقین دارای علامت ضرباخانه است، به دوران مهرداد یکم برمی‌گردد. همچنین از پیش از این دوره مسکوکات چهاردرهمی به دست نیامده است (سرفراز، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۴).

نیم‌رخ چهره مهرداد یکم، که در ابتدا به سبک سکه‌های پیشین به سمت چپ نقش می‌شد، در برخی از ضرباخانه‌های مناطق غربی، به‌ویژه در سکه‌های متأخرتر، به سمت راست چرخید؛ با این حال، سکه‌های ضرب‌شده در هکاتومپیلوس (Hecatompylos صد دروازه) — در قلب پارت — همچنان چهره را از نیم‌رخ چپ نشان می‌دهند (Gariboldi, 2004: 376). از آن پس، در اغلب سکه‌ها نیم‌رخ چپ شاه دیده می‌شود. حتی در تضاد آشکار با سبک هلنی، سکه‌هایی اندک با تصویر تمام‌رخ شاه نیز شناسایی شده‌اند که از ویژگی‌های هنر اشکانی به شمار می‌روند (پرادا و دایسون، ۱۳۵۷: ۲۷۰).

به باور پژوهشگران، مهرداد یکم، پس از ضرب آخرین سکه‌های خود در حدود سال ۱۳۸ ق.م، درگذشته است (Sellwood, 1980: 2; Assar, 2001: 21). سکه‌هایی که از وی با عنوان «فیل‌هلن - Philhellene» (دوستدار یونانیان) ضرب شده‌اند، حاکی از آن است که مهرداد در تلاش بود تا عناصر هلنیستی را، به‌ویژه در مرکز حکومت خود (سلوکیه)، با سیاست‌های اشکانی هماهنگ سازد (شیپمان، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۴). کاربرد این عنوان از سوی مهرداد اول، به‌منظور ابراز حسن نیت به جمعیت‌های یونانی مستقر در مستملکات تازه‌تصرف‌شده بوده و به گفته گیرشمن، اقدامی سیاسی و در عین حال شگفت‌انگیز تلقی می‌شود (گیرشمن، ۱۳۸۹: ۲۳۸ و ۲۵۸).

زمان آغاز ضرب سکه‌های اشکانی را می‌توان اندکی پس از نیمه نخست سده سوم پیش از میلاد دانست. فلز اصلی مورد استفاده برای سکه‌ها نقره بود، و مس نیز برای پاسخ

می‌پنداشت (بیرونی، ۱۳۵۲: ۱۶۰). از سوی دیگر، بر روی سکه‌های هخامنشی کمان‌دار پارسی به تصویر درآمده است و اساساً کمان یکی از نشانه‌های شاهی و نماد فرمانروایی به شمار می‌رفت (بریان، ۱۳۸۶: ۴۲؛ ویسپهوفر، ۱۳۸۸: ۱۰۳). در سنت سکایی، کمان نماد قدرت خداداده بود (فرای، ۱۳۸۰: ۳۴۲). از آنجا که تصویر کمان‌دار نشسته یا سواره، علاوه بر سکه‌ها، در نگارکندها و دیوارنگاره‌های این دوره نمایان است، احتمالاً این نماد به مهارت کمان‌داری اشکانیان در دنیای باستان اشاره می‌کند (آلتهایم واشتیل، ۱۳۸۸: ۳۴). در پشت درهم‌های مهرداد یکم تیرانداز بر «امفالوس» (Omphalos) نشسته است که این نقش در سکه‌های بعدی ادامه پیدا کرده بود (Curtis, 2007: 418; Sinisi, 2012a: 284). اما مهرداد دوم (۱۲۳-۸۸ ق.م) تخت را، که وام‌دار سنت ایرانی بود و شباهت بسیاری با تخت شاهان هخامنشی در تخت جمشید دارد، جانشین آن کرد (Olbrycht, 2010: 153; Curtis, 2007: 419).

نقش شاهین / پرنده، که حلقه پادشاهی را به منقار گرفته و به سوی شاه می‌برد، بارها در سکه‌ها دیده می‌شود یا در برخی دیگر جزئی از آرایه‌های گردن‌بند شاه است (ملکزاده بیانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۹۳-۹۴)؛ نمونه آن برخی چهاردرهمی‌های فرهاد سوم (۷۰-۵۷ ق.م) است که بر تخت نشسته و در یک دست عصای قدرت دارد و در دستی دیگر شاهین نشانه پیروزی است (پرادا و دایسون، ۱۳۵۷: ۲۷۰). پرنده صورتی از خورنه (Xvar nah) / فره که یک تجلی‌اش مرغ وارغنه (Vār γna) است و در اوستا شرح آن آمده است یا نمادی از ایزد ورثرغنه (V r θraγna)، ایزد پیروزی (Curtis, 2007: 423-424; Ellerbrock, 2013: 281) می‌تواند باشد که گاه به شکل عقاب / شاهین نمودار می‌شد (شهبازی، ۱۳۹۰: ۸۶؛ مالاندر، ۱۳۹۱: ۱۱۷). پیوند تنگاتنگ مرغ وارغنه با مفهوم پادشاهی در دوره هخامنشی و ظاهر شدن آن در سکه‌های اشکانی، به منزله نمادی از انتصاب ایزدی، می‌تواند بیانگر کاربرد نمادهای ایرانی در مفهوم پادشاهی باشد (شهبازی، ۱۳۹۰: ۸۵). به ویژه پیوند وارغنه با ورثرغنه، ایزد جنگاور ایرانی، این

مهرداد یکم که در ضرابخانه‌های غربی ضرب شده‌اند، نیمرخ رو به راست، مطابق با الگوی سلوکی، حفظ شده است. تصویر تمام‌رخ پادشاه بسیار نادر است.

تن‌پوش شاه معمولاً زره است و یقه زره با تصویر شیردال در دو انتها، از ویژگی‌های برجسته این سکه‌هاست. در پشت درهم‌ها، معمولاً در سمت راست، تصویر ارشک اول، بنیان‌گذار سلسله اشکانی، دیده می‌شود که بر تخت سلطنت نشسته است؛ تصویری که اقتباسی از آپولون و ژئوس، خدایان یونانی، محسوب می‌شود. برخی سکه‌ها شاه را در حالت ایستاده به نمایش گذاشته‌اند.

برخلاف سکه‌های نقره‌ای، پشت سکه‌های مسی اغلب دارای طرح‌ها و نقوش متنوع‌تری است که مشابه آن‌ها در جای دیگر نادر است. برخی از این نقوش به‌وضوح مفهوم تفویض سلطنت را به نمایش می‌گذارند. نوشته‌ها معمولاً در پشت سکه‌ها ضرب می‌شدند و همواره به زبان یونانی بودند. از زمان بلاش اول، نوشته‌هایی به خط پارسی نیز دیده می‌شوند که صرفاً بر درهم‌ها نقش بسته‌اند. این نوشته‌ها، حاوی نام و لقب پادشاه هستند و غالباً به‌صورت اختصاری درج می‌شدند.

علاوه بر سکه‌های شاهنشاهی، در شهر سلوکیه بر دجله که در دوره اشکانی از امتیاز ویژه ضرب سکه برخوردار بود، سکه‌های مسی محلی ضرب می‌شد. این سکه‌ها را می‌توان نشانه‌ای از نوعی خودمختاری محلی دانست. در فاصله سال‌های ۳۱-۳۰ تا ۲۷-۲۶ ق.م، شهر شوش نیز از چنین امتیازی بهره‌مند بوده است (Alarm, 1986: 536-540).

تأثیر عناصر ایرانی بر سکه‌های اشکانی

بر سکه‌ها نقش‌های متنوعی می‌زدند که برخی از آنها ویژگی‌های مشخص ایرانی داشتند. از نخستین سکه‌های ضرب شده، نقش کمان و کمان‌دار همواره یکی از عناصر اساسی درهم‌ها بود. گمان می‌رود که کمان‌دار بازنماینده ارشک یکم، بنیان‌گذار سلسله بوده باشد؛ این نقش به سبب بزرگداشت نام و خاطره وی تا پایان دوره باقی ماند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۰: ۲۸). با توجه به شباهت نام ارشک و آرش، ابوریحان بیرونی آرش را نیای دودمان اشکانی

گمان را پیش می‌آورد که شاید خصایل جنگاوری اشکانیان سبب این گزینش باشد (همان، ۹۸).

از نیمه دوم قرن نخست ق.م، در پشت چهاردرهمی‌های ضرب سلوکیه، شاه بر تخت نشسته است و از ایزدانوان گوناگون، مثل نیکه (Nike)، توخه (Tyche)، و آتنا (Athena)، نمادهای پادشاهی و مشروعیت قدرت، شاخه خرما، دیهیم، تاج گل یا حلقه قدرت دریافت می‌کند؛ البته توخه در سکه فرهاد دوم (۱۳۸-۱۲۷ ق.م) ریش‌دار تصویر شده است. چنین نقش‌هایی را می‌توان از دیگر نشانه‌های فره‌مندی شاهان اشکانی و پشتیبانی ایزدان، یعنی حق الهی پادشاهی در سنت ایرانی، دانست که به تقویت جایگاه شاه می‌انجامید. در پشت برخی چهاردرهمی‌های ارد دوم، توخه، که تاج تیغه‌داری بر سر دارد، در برابر شاه زانو زده و نشان قدرت را تقدیم می‌کند (Sinisi, 2012 a: 289-290; Rezakhani, 2013: 769-770). نقش آتشگاه بر سکه بلاش یکم (۵۱-۷۸ م) و بلاش چهارم (۱۴۷-۱۹۱ م) یکی دیگر از نمادهای ایرانی و یادآور خاطره ولخس / بلاش شاه در سنت زردشتی است و می‌تواند گواهی بر گسترش این دین در دوره اشکانی باشد (Neusner, 1963: 47; Boyce, 1986: 541).

سکه‌ها برخی جزئیات پوششی را که در گذر زمان تغییر کرده‌اند نشان می‌دهند. ارشک یکم باشلقی از جنس نمد با زبانه‌ای روی گوش و زبانه دیگری پشت گردن بر سر دارد (سلوود، ۱۳۸۹ الف، ج ۳: ۳۸۲). شبیه این سرپوش را هیئت نمایندگان مادی و دیگر ایرانیان در حجاری‌های آپادانا در تخت جمشید بر سر دارند و گویا پس از غلبه بر پارت انتخاب شد (Curtis, 2007: 417). بر پشت سکه پوشش کمان‌دار، که از باشلق نمدی، ردای آستین‌بلند آویخته، شلوار سوارکاری، و چکمه ترکیب شده است، تصویری از جنگجوی آسیای میانه و بسیار متفاوت با سنت‌های یونانی را باز می‌نماید (Sinisi, 2012 a: 3; Sellwood, 1976: 280).

اردوان یکم (۱۲۷-۱۲۴/۱۲۳ ق.م)، پیراهن یقه هفت و پُر نقش و نگار را، که جامه کوچ‌نشینی اشکانی بود، جانشین لباس رسمی یونانی کرد (کرتیس، ۱۳۸۹: ۳۴؛ کرتیس،

۱۳۹۰: ۳۷). روی آوردن به پوشش‌های بومی از دیگر نشانه‌های احیای ایران در این دوره می‌تواند باشد. برگزیدن تیارای قائم و ترکیب آن با دیهیم به دست مهرداد دوم در اواخر عمر تأکیدی است بر گسست از سنت‌های یونانی و تحولی اساسی در سنت شرقی بود (Sinisi, 2012 a: 287). تیارای وی کلاهی مدور و زبانه‌دار مزین به مروارید و جواهر بود که در وسط تاج گل گوهرنشانی به شکل ستاره داشت (بروسیوس، ۱۳۸۸: ۱۴۱؛ Assar, 2006: 143). در واقع، تیارا تقلیدی از سرپوش تشریفاتی مادی در دوره هخامنشی و مناسب دیدگاه سیاسی برای یادکرد سنت‌های کهن ایرانی بود (Olbrycht, 1997: 55). پس از فرهاد سوم تیارا از روی سکه‌ها ناپدید می‌شود تا اینکه بلاش یکم، پس از تثبیت قدرت و جایگاه خویش، تیارای گنبدی شکل با قلاب‌های آراسته و کوتاه‌تر از نمونه‌های پیشین را مرسوم می‌کند (Olbrycht, 1997: 32; Sinisi, 2012 b: 38). بالاپوش تزئین شده با نقوش متنوع و به سبک شرقی از دیگر ویژگی‌های پوشش این دوره است که آغازگر آن مهرداد دوم بود. بر یقه پیراهن وی نقطه‌هایی دیده می‌شود که حدس می‌زنند پولک یا مروارید باشد (کرتیس، ۱۳۹۲: ۸۰).

نوشته سکه‌های ارشک یکم به تقلید از سکه‌های سلوکی به خط یونانی بود، سکه‌های بعدی او نوشته آرامی دارند. با توجه به اهمیت زبان آرامی، به منزله زبان رسمی و اداری در شاهنشاهی هخامنشی (اشمیت، ۱۳۸۲: ج ۱: ۱۶۶؛ لوکوک، ۱۳۸۲: ۵۵-۵۴)، کاربرد آن را می‌توان در راستای نگرش ایدئولوژیکی خاص پادشاهی نوظهور، یعنی وفاداری به سنت‌های کهن بازمانده و مخالفت با سلطه یونانی‌مآبی، از طریق بازگشت به گذشته هخامنشی دانست (ولسکی، ۱۳۸۳: ۸۳-۸۲; Abgarians and Sellwood, 1971: 113). گام سرنوشت‌ساز برای زدودن یونانی‌مآبی در پادشاهی بلاش یکم برداشته شد: بلاش حروف پارتی WL را، که برگرفته از ابتدای نام وی بود، به پهلوی اشکانی روی درهم‌ها نوشت (ولسکی، ۱۳۸۸: ۱۸۹؛ Sinisi, 2012 b: 19)؛ که این کار نشانه‌ای از گسترش گرایش سنتی - ملی ایرانی در سیاست اشکانیان بود که آغازگر آن اردوان دوم اشکانی بوده است (Sinisi, 2012 a: 290)؛ و البته نشانه

ضعف دولت سلوکی و گسترش مرزها (Assar, 2004: 82) و بازگوکننده ادعاهای سیاسی جدید. پس از گسترش قلمرو در دوره مهرداد یکم، این پادشاه در سلوکیه سکه‌هایی با اصطلاح ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ / Filellinos به معنی «دوست‌دار یونان» ضرب کرد (فرای، ۱۳۸۰: ۳۴۲؛ سلوود، ۱۳۸۹ الف: ج ۳، ۳۸۴). پیشتر انتخاب چنین عنوانی را نشان از سرسپردگی عمیق و واقعی شاهان اشکانی به فرهنگ یونانی و اقرار به برتری آن و فروتری فرهنگ بومی می‌دانستند، اما ولسکی و دیگر پژوهشگران، با به چالش کشیدن دیدگاه‌های سنتی، آن را تدبیری سیاسی - تبلیغاتی برای حفظ وفاداری اتباع یونانی - مقدونی و کسب مشروعیت پنداشتند تا دل‌بستگی واقعی شاه به فرهنگ هلنی (Sinisi, 2012 a: 284؛ Curtis, 2007: 418؛ ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۲۱). مهم‌ترین لقب شاهانه را مهرداد دوم برای نخستین‌بار با انتخاب عنوان ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ Basileon «شاه شاهان» در سکه‌ها به کار برد. براساس الواح میخی حدود ۱۰۸ / ۱۰۹ ق.م این لقب برگزیده شد (Sellwood, 1976: 6؛ Assar, 2006: 135). کاربرد دوباره این لقب، که در دوره سلوکی به کار نمی‌رفت، به پیروی از شاهان هخامنشی، دگرگونی در ایدئولوژی اشکانی و تأثیر فزاینده سبک ایرانی را می‌نماید (Neusner, 1963: 57). در سنگ یادمانی چهارگوشی از شوش، اردوان چهارم با لقب «شاه شاهان» معرفی شده است (اکبرزاده، ۱۳۸۲: ۱۹). می‌توان چنین برداشت کرد که این لقب حداقل در سال‌های پایانی و در رویکردی کاملاً ایرانی گزینه نخست برای معرفی شاهی نیرومند چون اردوان چهارم بود، اما القاب یونانی‌مآب به تفضیل در سکه ذکر می‌شد. هنگامی که ارد دوم در حدود ۵۰ ق.م، القابی مانند، «شاهنشاه، ارشک، نیکوکار، دادگر، مظهر / تجلی (خدا)، دوست‌دار یونان» را برگزید (Sellwood, 1976: 3). همچنین لقب Theos به معنی «خدا» یا Theopator به معنی «پسر پدری الهی» (Assar, 2004: 82, 88)، که به خاستگاه الهی شاهان اشاره داشت، شاید بیش‌تر وام‌دار سنت زردشتی بود (Olbrycht, 2011: 241). چون ارد دوم، که متهم به پدرکشی بود (حدود ۵۷ ق.م)، خود را

دادن سنت‌های ملی ایرانی در سکه‌های ارشک یکم دیده شده بود (Sinisi, 2012 b: 21). در این میان پادشاهان اشکانی تلاش کردند تا خود را از قید یونانی‌مآبی برهانند. شاهان بعدی گاه حتی نام کامل خود را به پارتی بر سکه‌ها می‌آوردند. سکه مهرداد چهارم (۱۳۰-۱۴۷ م) MLKA/ mtrdt Mihrdād šāh «مهردادشاه» یک نمونه از نوشته طولانی‌تر است (اشمیت، ۱۳۹۲: ۲۳۰). روی آوردن به نگارش زبان ایرانی با خط آرامی را می‌توان اقدام آگاهانه و به موقع اشکانیان برای زنده نگاه داشتن سنت‌های ایرانی و بسترسازی مناسب برای ایران‌گرایی ساسانی پنداشت (شکوری‌فر و نصرالله‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۴).

القاب شاهی مهم‌ترین نوشته سکه‌هاست که بیش‌تر به تقلید از رسم رایج زمانه یونانی‌مآب بود، اما برخی سنت‌های ایرانی هم در آنها به چشم می‌خورد. نام ارشک خود احتمالاً برگرفته از aršān اوستایی به معنی «قهرمان / انسان» است و شاید با «کوی‌ارشن / کی‌ارش» (Kavi Aršān)، از خاندان کیانی، که بنا به نقل فردوسی اشکانیان نژاد ازو داشته‌اند، پیوستگی داشته باشد (Tafažžolī, 1986: 241؛ Olbrycht, 2011: 268). نوشته سکه ارشک یکم به یونانی ΑΡΣΑΚΟΥ ΑΥΤΟΚΡΑΤΟΡΟΣ / Arsakou Autokratoros به معنای «ارشک خودمختار / مستقل» و در سنت سلوکی به معنای «سردار برگزیده» (Abgarians and Sellwood, 1976: 108؛ سلوود، ۱۳۸۹، الف: ج ۳، ۳۸۲)، شاید تأکیدی بر کسب قدرت بر پایه فتوحات فردی باشد (Olbrycht, 2011: 240). اما در مجموعه بعدی واژه‌های آرامی، که شاید krny، برگرفته از واژه ایرانی باستان kārīna- (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۷: ۱۲۶) و احتمالاً معادل ائوتوکرات به معنای «رهبر سپاه / مردم» (Haruta, 2013: 796) یا «سپهسالار» یا «از خاندان کارن» باشد (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)، جانشین لقب پیشین شده است. کرنی لقب فرماندهان بلند پایه هخامنشی همچون کورش جوان بود (Shahbazi, 1986: 525). اما تغییر ویژه در القاب شاهی در سکه فریپت، ارشک سوم (۱۹۱-۱۷۶ ق.م)، با ذکر عنوان ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ / Basileos Megaloy «شاه بزرگ» رخ می‌دهد که ناشی از

(شول، ۱۳۹۲: ۶۳۱). چهاردرهم‌های شاهان خاراکنه معمولاً دارای رقم سال بر طبق تقویم سلوکی بودند. از خصوصیات مهم سکه‌های سلسله محلی خاراکنه کثرت سکه‌های چهاردرهمی (۱۴ گرم) و کمی درهم‌های سیمین و سکه‌های برنزی هم‌وزن آن بود. این مسئله را دلیل دیگری بر رونق تجارت و بازرگانی در این ناحیه دانسته‌اند. اغلب دارای ویژگی‌ها و خصوصیات سکه‌های سلوکی بودند. بر روی سکه، تصویر فرمانروا در حالی که به سمت راست می‌نگریست نقش گردیده، در پشت سکه، تصویر الهه‌های یونانی دیده می‌شد که اغلب بر روی صندلی نشسته، به سمت چپ می‌نگریست. بر چهاردرهمی‌های نقره هیسپائوسین تصویر فرمانروا بدون ریش نقش گردیده و کلاه او مزین به روبانی بود که در پشت سر گر خورده و در پشت سکه هرکول در حالی که گُرزی در دست داشت بر تخت نشسته [عبارت شاه هیسپائوسین جلب نظر می‌کند] در زیر پای هرکول تاریخ ضرب سکه به سال سلوکی نقر گردیده بود (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۰: ۶۹).

چهاردرهمی‌های نقره‌ای او در خاراکنه به سال ۱۸۴ تقویم سلوکی برابر با ۱۲۸/۱۲۹ ق.م، همین طور چهاردرهمی‌های بی‌تاریخ سلوکیه کنار دجله نیز از او نام می‌بردند. او چون فرمانروایی سلوکی، با پیشانی‌بند ظاهر می‌شد. بر پشت سکه، هرکول برهنه‌ای نشسته بر سنگ نیز دیده می‌شد که با شمایل‌نگاری مشابه سکه‌های یونانی- بلخی پیوند داشت (کُرتیس، ۱۳۹۰: ۱۸). ضرب این سکه‌ها تا سال ۱۲۱ ق.م، ادامه داشته است تا اینکه مهرداد دوم در ۱۲۱ ق.م، به حکومت رسید (مشکور، ۱۳۷۴: ۱۶۷-۱۶۸). از وقایع مهم زمان مهرداد دوم بازپس‌گیری بابل در بین‌النهرین است. بنابراین، در ۱۲۱ ق.م، با هیسپائوسین وارد جنگ شده او را شکست داده و برای اولین بار سکه‌های مسی با سبک و سیاق سکه‌های سلوکی در ضرابخانه خاراکنه ضرب کرده است که نشان از پیروزی مهرداد دوم بر شاه خاراسن دارد (بیوار، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۴۲). با توجه به این که سرپوش شاه در این سکه شبیه به سرپوش مهرداد اول است، بسیاری این سکه را متعلق به مهرداد اول می‌دانند، ولی بنا بر منابع مکتوب، درگیری بین

«دوست‌دار پدر» (سلوود، ۱۳۸۹ الف: ج ۳، ۳۹۲-۳۹۱) و مهرداد سوم، شریک او در قتل پدر، خود را Eupator به معنی «[دارای] پدر خوب» معرفی می‌کرد (بیوار، ۱۳۸۹: ج ۳، ۱۵۰). در واقع در دوره هخامنشی نیز نهاد پادشاهی بر پایه برتری شاه و نمایندۀ خدا در میان مردم قرار گرفته بود که با تضعیف آن در دوره سلوکی شاهان اشکانی با الگوگیری از سنت‌های هلنی و اندیشه ایرانی درباره خاستگاه ایزدی قدرت پادشاه و خداسازی نیاکان وی سعی در تقویت این نهاد داشتند (شکوری‌فر و نصرالله‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۹).

سکه‌های خاراکنه

با اینکه در منابع یونانی به خاراکنه و خاراکس اشاره شده است ولی تا آغاز قرن نوزدهم میلادی این حکومت ناشناخته بود. در قرن هجدهم سکه‌های متنوعی در مجموعه‌های اروپایی وجود داشت که به اشتباه آنها را به شاهان اشکانی، باختری و گاهی ارمنی نسبت می‌دادند؛ تا اینکه در سال ۱۸۱۱ م، ویسکونتیی این سکه‌ها را از آن شاهان خاراکنه دانست و در واقع از این زمان مطالعات باستان‌شناسی و تاریخی خاراکنه آغاز گردید (Potts, 1988: 138). پس از وی، هیل، بائلون و وادینگ مطالعات سکه‌شناسی خاراکنه را توسعه دادند (Newell, 1925: 11). سکه‌های خاراکنه در بین‌النهرین از محوطه‌های بصره و تلو، در ایران از محوطه شوش و نیز از برخی مناطق عرب‌نشین خلیج فارس مانند فیلکه، اددور و گرهبه به دست آمده بود (سودایی و مقسم، ۱۴۰۲: ۱۱۷).

سکه‌زنی خاراکنه از هر لحاظ به طور اغراق‌آمیزی از سرمشق یونانی- سلوکی (استثنا: آرتابازوس ۴۸/۹ ق.م) تبعیت می‌کرد: در حالی که درهم به واحد اصلی نظام سکه‌زنی اشکانیان بدل شد، چهاردرهم واحد اصلی سلوکیان متأخر در غرب و تأثیرگذار بر پادشاهی یونانی- بلخی و خاراکنه باقی مانده بود؛ در بدو امر درست مانند حکومت الیمایی واحدهای کوچک مسی و قطعات بسیاری از سرب نیز در دوره هیسپائوسین ضرب شد. همچنین طرح تصویر سکه‌های خاراکنه از قالب یونانی پیروی می‌کرد

کتیبه‌ها نسبت به سکه‌های پیشین بود (Hill, 1922: 3). از فرمانروای بعدی، آرته‌بازوس، چهاردرهمی‌هایی به دست آمده است که دارای القاب مفصل و نشان‌دهنده قدرت گرفتن شاهان این سلسله‌اند. نام و لقب پادشاه در پشت سکه با این عبارت آمده بود: «شاه آرته‌بازوس، خداتبار، پادشاه، رهایی بخش، دوستدار پدر و یونان» (سرفراز و آوزرمانی، ۱۳۸۰: ۶۹). شاه بعدی خاراکنه، آتامبلوس اول نام داشت که با حکومت آرد دوم (۵۵-۳۸ ق.م)، همزمان بوده است. سکه‌های این دوره از جنس نقره و پول رایج چهاردرهمی، یک درهمی و سکه برنزی است ولی از نظر وزنی، عیار و وزن سکه‌ها کم می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۷: ۷۷). چهاردرهمی‌های شاه آتامبلوس اول از حیث سبک به سکه‌های تیرایوس شبیه‌اند، همان القاب نیز بر آنها نقش شده است. از این فرمانروا تعداد اندکی سکه‌های برنزی به دست آمده است. حاکم بعدی آتامبلوس دوم (۱۸ ق.م-۸ م) نام دارد که حکومتش همزمان با حکومت فرهاد چهارم و فرهاد پنجم بوده است. او سکه‌های چهاردرهمی، یک درهمی و برنزی ضرب کرده است. وزن سکه‌ها در این دوره افزایش یافته است. با توجه به اینکه سرزمینهای جنوبی در این دوره در مسائل اقتصادی مستقل عمل می‌کردند، احتمالاً این تبادلات با توجه به مشکلات سیاسی و جنگ‌های بین پارتی‌ها و رومی‌ها زیر نظر شاه پارتی انجام نمی‌شده است. با بررسی سکه‌های آتامبلوس دوم شاهد افزایش وزن چهاردرهمی‌ها هستیم که در عمان و جنوب عربستان به دست آمده‌اند و نشان از تجارت گسترده در این زمان دارند (Potts, 1988: 153).

شاه بعدی آتامبلوس سوم (۲۸-۴۴ م) است که با اردوان دوم همزمان بوده است. سکه‌های آتامبلوس سوم تداوم سکه‌های آتامبلوس دوم است، ولی مقدار نقره آن پایین آمده و وزن چهاردرهمی‌ها نیز کم شده است؛ به تدریج، خلوص سکه‌های چهاردرهمی و یک درهمی کاهش یافته است و سکه‌های یک درهمی کوچک شده‌اند، به گونه‌ای که به سختی نام و القاب بر روی آنها نقر می‌شده است. در این دوره، اغلب سکه برنزی رایج بوده است (سلوود، ۱۳۸۹: ج ۳، ۴۱۴). حاکم بعدی خاراکنه آتامبلوس چهارم

مهرداد دوم و هیسپائوسین رخ داده است. از این رو، این سکه متعلق به مهرداد دوم است. اشتباه از آنجا ناشی می‌شود که مهرداد دوم در ابتدای سلطنت از سرپوش مهرداد اول استفاده می‌کرده است (سودایی و مقسم، ۱۴۰۲: ۱۱۸-۱۱۹). فرمانروای بعدی آپوداکس همزمان با مهرداد دوم اشکانی ضرب چهاردرهمی‌های سیمین و سکه‌های برنزی اقدام کرد. بر پشت سکه او نقش هرکول دیده می‌شد. این حاکی است که با توجه به اهمیت خاراکنه، مهرداد دوم به حاکمان این منطقه استقلال نسبی داده است تا بتوانند به فعالیت‌های دریایی و تجاری بپردازند (سلوود، ۱۳۸۹: ج ۳، ۴۱۳). طبق مدارک سکه‌شناسی، مهرداد دوم در سال ۱۰۹ ق.م، سرپوش خود را به تیارا تغییر داده است و در پشت سکه از القاب شاه ارشک شاه شاهان استفاده کرده است (Selwood, 1980: 54). در پشت سکه‌های فرمانروای بعدی تیرایوس (۹۵-۸۸ ق.م) تغییراتی به چشم می‌خورد و به جای تصویر هرکول، نقش نیکه حک شده بود. نوشته پشت سکه بدین مضمون بود: «شاه تیرایوس، رهایی‌بخش و نیکوکار». ضرب این سکه نشان می‌دهد که تیرایوس از ضعف پارتی‌ها استفاده کرده و توانسته در یک اقدام نظامی پیروزی به دست بیاورد. از این رو، به ضرب سکه‌های متفاوت از سکه‌های رایج خاراکنه دست می‌زند (سلوود، ۱۳۸۹: ج ۳، ۴۱۳). این می‌تواند تأیید کند که از سال ۱۰۹ ق.م تا ۹۱ ق.م مهرداد دوم فعالیت حاکمان خاراکنه را متوقف کرده و اجازه فعالیت‌های اقتصادی به آنها نداده است. با مرگ مهرداد دوم و بروز ناآرامی‌های ناشی از اختلاف میان اشراف‌زادگان پارتی، حاکم خاراکنه از این فرصت استفاده کرده و سکه‌های جدید ضرب کرده است. بدین ترتیب، ناآرامی‌ها و نزاع‌های داخلی پارتی‌ها به تیرایوس و شاهان بعدی خاراکنه اجازه داده تا ارتباطات اقتصادی و تجاری خود را با مناطق عرب نشین خلیج فارس از سر گیرند (سودایی و مقسم، ۱۴۰۲: ۱۲۰).

در زمان تیرایوس دوم در ۷۹ ق.م، و تثبیت حکومت، سبک بومی سکه‌های خاراکنه ظاهر شد. سبک قرارگیری حروف در سکه‌های این گروه، گویای ساده‌تر شدن نگارش

ضرب نمی‌شد و معمول‌ترین سکه آنان چهاردرهمی بود که ابتدا از سیم سره بود و به مرور زمان از عیار آن کاسته شد و با مس ترکیب گشت تا اینکه در اواخر سده دوم میلادی، در سال‌های پایانی عمر دولت خاراکنه، جنس سکه‌ها عمدتاً از مس شد. علاوه بر چهاردرهمی سیمین، خاراکنی‌ها سه‌درهمی سیمین و در موارد انگشت‌شمار سکه سیمین یک‌ششم درهم (أبول) ضرب کرده‌اند. در اواخر عمر این دودمان، چهاردرهمی و در موارد اندک سه‌درهمی مسین ضرب می‌شد. واحد سکه مسین در اوایل دوره، به تقلید از اشکانیان و سلوکیان، کالکوی بود که وزنی پیرامون دو گرم داشت از شاهان خاراکنه سکه‌های چهار، دو و یک کالکویی به دست آمده بود. سکه‌های کم‌ارزش سُرپی هم به صورت دو واحد و یک واحد زده‌اند. شایان ذکر است که در ضرب سکه‌هایی که جنس‌شان سیم نبود و ارزش کمتر داشتند، همان‌طور که در ضرب آنها توجه چندانی به هنر نمی‌شد، دقت کافی در وزن سکه به عمل نمی‌آمد (افتخاری، ۱۳۹۷: ۲۴).

نام دارد که با بلاش اول همزمان بوده است. آتامبلوس در طی دوران حکومتش سکه‌های متنوعی را ضرب کرده و چهره او از جوانی تا پیری بر روی سکه‌ها به تصویر کشیده شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سکه‌های آتامبلوس چهارم در بصره، فیلکه و اددور به دست آمده است (خسروزاده، ۱۳۹۵: ۲۷). تا زمان پاگر دوم، حاکمان محلی خاراکنه به طور مستقل به ضرب سکه می‌پرداختند. برخی سنن یونانی به ویژه در سکه‌های خاراکنه، قابل مشاهده است. تقریباً بر پشت تمام سکه‌های شاهان خاراکنه تصویر هرکول مشاهده می‌شود، اما به نظر می‌رسد که در اینجا همچون نواحی دیگر، از نرگل، خدای بابلی، یا بهرام، ایزد ایرانی، استفاده شده است (خونانی و محمدی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۱۱۶).

سکه‌های خاراکنه از جنس سیم، مس، آلیاژ سیم-مس و یا سُرپ است. در دولت خاراکنه نیز مانند دولت بالادست آن، یعنی اشکانی، درهم سیمین با وزن پیرامون چهار گرم به عنوان یکای پول به کار می‌رفت، اما خود سکه درهم

جدول ۱: مقایسه مسکوکات خاراکنه با اشکانی

چهاردرهمی نقره هیسپائوسین (افتخاری، ۱۳۹۷: ۳۴)	چهاردرهمی نقره مهرداد دوم (غلامی، ۱۳۹۲: ۳۰۵)
	
روی سکه: سر بدون ریش هیسپائوسین دیهیم بر سر رو به راست؛ پیرامون، آراسته به میله و مهره.	روی سکه: نیمرخ مهرداد دوم با ریش متوسط و موهای بافته به سمت چپ و پیشانی بند تک‌نوازی.
پشت سکه: هرکول برهنه نشسته بر تخته سنگ رو به چپ، گرژی را که در زانوبش تکیه داده است؛ به سمت چپ.	پشت سکه: تصویر ارشک، نشسته به سمت راست بر اُمفالوس با کمانی در دست.
چهاردرهمی آتامبلوس دوم (افتخاری، ۱۳۹۷: ۸۶)	چهاردرهمی فرهاد چهارم (غلامی، ۱۳۹۲: ۵۲۰)
	
روی سکه: آتامبلوس دوم ریش‌دار دیهیم بر سر رو به راست؛ پیرامون، آراسته به زنجیر.	روی سکه: نیمرخ فرهاد چهارم با ریش کوتاه و پیشانی بند سه‌نوازی به سمت چپ.
پشت سکه: هرکول برهنه نشسته بر تخته سنگ، گرز در دست راست.	پشت سکه: فرهاد چهارم نشسته به سمت راست بر تخت، تی‌شه در حالت تقدیم تاج گل به او.

تأثیر عناصر ایرانی - اشکانی بر سکه‌های خاراکنه

سکه‌های خاراکنه، که از سکه‌های یونانی الگوبرداری می‌کردند، به مرور از سرمشق‌های اشکانی پیروی کردند. نمونه آن القاب گوناگون شاهی در آرایش چهارگوش، تیارای پارتی، و آرامی‌نویسی است (سلوود، ۱۳۸۹ ب: ج ۳، ۴۱۶-۴۱۴). تأثیرات اشکانیان تازه از نیمه سده دوم ق.م (مهرداد ۱۴۲/۳ ق.م) با بالاتنه شاه، آرایش مو و کلاه افسر ایرانی قابل تشخیص بود (شول، ۱۳۹۲: ۶۳۱). از جمله حاکمان خاراکنه آپوداکس بود. از دوره او سرپوش حاکمان خاراکنه بر روی سکه‌ها نیز مانند سکه‌های اولیه مهرداد دوم است که سرپوشی شبیه به سربند مهرداد اول بر سر دارند، ولی در هیچکدام از سکه‌ها سرپوش حاکمان خاراکنه با تیارا مشاهده نشده است (Selwood, 1980: 54).

فرمانروای بعدی، آرتی‌بازوس نام داشت. سبک نوشته چهارگوشه بر پشت سکه او گواه آن است که در سکه‌هایش تا حدودی از روی نمونه‌های اشکانی تقلید شده است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۰: ۶۹). سکه آرتی‌بازوس، تقلیدی از سکه‌های چهاردرهمی دو شاه اشکانی، گودرز یکم (۹۸-۸۱ ق.م) و اردوان دوم (۷۶-۸۷ ق.م) است که چندسالی پیش از او فرمانروایی می‌کردند. حتی مونوگرام پشت سکه آرتی‌بازوس نیز شباهت بسیار به مونوگرامی از یک سکه چهاردرهمی اردوان دوم دارد. تفاوت اصلی سکه او با سکه‌های اشکانی در این است که وی بنابر رسم شاهان خاراکنی، بر روی سکه‌هایش رو به راست تصویر شده است (افتخاری، ۱۳۹۷: ۶۵-۶۴).

شاه بعدی خاراکنه، آتامبلوس اول نام دارد که سرپوش او بر روی سکه‌هایش به سرپوش ارد دوم شباهت دارد. می‌توان احتمال داد که شاه اشکانی برای جلوگیری از آشوب و رفتارهای سرکش حاکم خاراکنه، اجازه ضرب سکه را به او داده است و از آنجایی که سبک سکه‌ها از سکه‌های ارد دوم پیروی می‌کند، به عنوان سکه‌های محلی حاکم وابسته به شاه اشکانی مطرح می‌گردند (افتخاری، ۱۳۹۷: ۷۷). تصویر حاکم بعدی، آتامبلوس دوم، از نظر ظاهری شبیه به شاهان پارتی است (Potts, 1988: 153). سکه‌های او که فرهاد چهارم، شاهنشاه اشکانی، آنها را

ضرب دوباره کرده است، نشانگر این است که آتامبلوس دوم از فرهاد چهارم اشکانی در جنگ شکست خورده است (افتخاری، ۱۳۹۷: ۸۵؛ ۱۳۷: 137 Debevoise, 1938). پس از او، چند شاه دیگر با نام آتامبلوس در پی یکدیگر بر تخت نشستند که بر سکه‌هایشان نشانه‌های هنر یونانی کم‌رنگ شده بود و از هنر اشکانی اقتباس و پیروی می‌کردند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۰: ۶۹).

از سال ۱۳۱ م که با دخالت دربار اشکانی، پاکر دوم، فرزندش مهرداد را به حکومت خاراکنه منصوب کرد، اولین تغییرات درسکه‌های خاراکنه مشاهده می‌شود. در این دوره، به تدریج خط آرامی در پشت سکه‌ها جایگزین خط یونانی می‌شود (سلوود، ۱۳۸۹ ب: ج ۳، ۴۱۶). سکه‌های مهرداد تفاوت بسیار زیاد با سکه‌های پیش از او در خاراکنه دارند؛ نخست اینکه طرح سنتی «هرکول نشسته» که از ابتدا بر پشت سکه‌های خاراکنه نقش می‌شد جای خود را به نقش و نیم‌تنه ایزدبانو توخه می‌دهد. دوم اینکه نوشته‌های پشت سکه که باز هم نام و القاب سنتی و موروثی شاه خاراکنه را بر خود داشتند جای خود را به نوشته‌ای بدیع می‌دهد و در آن مهرداد خود را «مهرداد، فرزند پاکر، شاه شاهان، شاه عمانی‌ها» (خونانی و محمدی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۱۹) می‌خواند. سوم این که نام مهرداد - که یک نام کاملاً اشکانی، به معنای آفریده ایزد ایرانی مهر است - کاملاً متفاوت است با نام شاهان پیشین خاراکنه که عمدتاً نام خدایان بابلی یا یونانی را در خود دارند. همه اینها حاکی از این است که سکه‌های مهرداد خلاف معمول سکه‌های خاراکنه و به شکلی بسیار شبیه به سکه‌های اشکانی آن روزگار ضرب شده است و دلایل آن است که مهرداد شاهزاده اشکانی و پسر شاهنشاه اشکانی، پاکر دوم بود (افتخاری، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

براساس سکه‌ها پس از ۱۵۱ م، سه شاه با فاصله کمی از یکدیگر به پادشاهی رسیدند که آخرین‌شان از متن آرامی سکه‌اش با نام «مگا» شناخته می‌شود (خونانی و محمدی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۲۴). وی به احتمال زیاد پیرامون سال‌های پایانی سده دوم میلادی (۱۹۵-۲۱۰ م) می‌زیسته است. او سکه‌های فراوانی از جنس مس ضرب

بازنمایی مفاهیم بومی و نیز اجتناب از تنش با یونانیان پراکنده در سرزمین‌های اشکانی بوده است.

در کنار این تعامل با سنت‌های هلنی، استفاده از عناصر ایرانی و شرقی در تصاویر، نمادها و پوشش‌ها، زمینه‌ساز احیا و گسترش سنت‌های بومی در قرون بعدی شد. در این میان، برخی شاهان اشکانی همچون مهرداد یکم، مهرداد دوم و بلاش اول، با بازگشت به سنت‌های ایرانی و ارائه معیارهایی نو، الگوهایی برای شاهان بعدی و حاکمان محلی پدید آوردند. به نظر می‌رسد ایجاد تعادل میان سنت‌های ایرانی و یونانی، از عوامل موفقیت و دوام طولانی این حکومت بوده باشد. بر این اساس، نمی‌توان اشکانیان را صرفاً مقلدان فرهنگ یونانی دانست؛ بلکه باید آنان را احیاگران فرهنگ ایرانی و پایه‌گذاران سنت‌هایی دانست که بعدها در دوره ساسانی به اوج خود رسید.

در دوران اشکانی، در مجاورت قلمرو این شاهنشاهی و سرحدات امپراتوری روم، پادشاهی‌های کوچکی وجود داشتند که گاه مطیع اشکانیان و گاهی تابع رومیان بودند. یکی از این دولت‌ها، شاهک‌نشین خاراکنه بود که میان دجله و فرات قرار داشت. این دولت محلی، از جهات مختلف - اعم از تجاری، نظامی و سیاسی - برای اشکانیان اهمیت داشت؛ زیرا هم به‌عنوان سدی در برابر تهاجمات بادیه‌نشینان و رومیان عمل می‌کرد، و هم به‌دلیل قرار گرفتن در مسیر کاروان‌ها و راه‌های بازرگانی، منافع اقتصادی چشمگیری برای شاهنشاهی اشکانی به همراه داشت.

یکی از ویژگی‌های برجسته شاهان خاراکنه، روحیه استقلال‌طلبانه و بلندپروازی سیاسی آنان بود. آنان برای حفظ موجودیت خود ناگزیر بودند سیاست‌هایی هوشمندانه اتخاذ کنند؛ زیرا دولت اشکانی، با وجود ساختار نسبتاً غیرمتمرکز خود، نمی‌توانست از ثروتی که این حکومت محلی در اختیار داشت چشم‌پوشد. از این‌رو، همواره در پی گسترش نفوذ خویش بر این منطقه بود.

مطابق شواهد سکه‌شناختی، در نخستین مراحل شکل‌گیری شاهک‌نشین خاراکنه، سکه‌ها بیشتر به سبک سلوکی ضرب می‌شدند. اما با افزایش نفوذ اشکانیان،

کرده است. «مگا» در پشت سکه‌هایش «پسر شاه آتامبلوس» معرفی می‌شود که او را باید «آتامبلوس هشتم» بدانیم. «مگا» آخرین شاه خاراکنه است که از وی در منابع هم‌عصرش نام برده شده است. به احتمال زیاد جانشین وی، «آیینرگایوس سوم» (۲۱۰-۲۲۲ م) بود که در منابع عربی از او به عنوان «بندو» یاد شده که اردشیر بابکان، شاهنشاه ساسانی وی را شکست داد. بر روی سکه‌های دولت محلی خاراکنه که تا پیش از این تجارت پر رونقی داشت، آثار انحطاط و سقوط بر روی سکه‌هایشان کاملاً مشهود بود. آخرین تاریخی که بر سکه‌های خاراکنه به چشم می‌خورد، ۱۶۷ م، است (افتخاری، ۱۳۹۷: ۱۱۴-۱۱۳).

نتیجه‌گیری

اشکانیان یکی از طولانی‌ترین حکومت‌های تاریخ ایران باستان را تشکیل دادند، با این حال منابع مکتوب مربوط به این شاهنشاهی نسبتاً اندک است. از این‌رو، سکه‌های باقی‌مانده از دوره اشکانی اهمیت ویژه‌ای در مطالعات تاریخی و فرهنگی این دوران دارند. نوشته‌ها و تصاویر موجود بر سکه‌ها از مهم‌ترین ابزارهای انتقال پیام شاهان به فرمانبرداران در قلمرو گسترده امپراتوری بودند.

شاهنشاهی اشکانی، مجموعه‌ای از اقوام و فرهنگ‌های متنوع را دربر می‌گرفت؛ از این جهت، نمادهای به‌کاررفته بر سکه‌ها، چنان انتخاب می‌شدند که برای فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف معنادار باشند؛ امری که نشانه‌ای از تسامح‌پذیری اشکانیان در برابر فرهنگ‌های نوظهور محسوب می‌شود. ساختار و طرح سکه‌های اشکانی تا حد زیادی از الگوی هلنی پیروی می‌کرد، اما بررسی دقیق جزئیات آنها تفاوت‌هایی را در مقایسه با مسکوکات یونانی آشکار می‌سازد.

استفاده از عنوان «فیل‌هلی» بر سکه‌های اشکانی، از یک سو به معنای تسلیم بی‌چون‌وچرای آنان در برابر فرهنگ هلنی نبود و از سوی دیگر به معنای طرد کامل آن هم تلقی نمی‌شود. به نظر می‌رسد این عنوان بیشتر بیانگر تدبیر سیاسی شاهان اشکانی در بهره‌گیری از هنر بیگانه برای

بیوار، ا.د.ه (۱۳۸۹). تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان، در: تاریخ ایران کمبریج از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، جلد سوم، قسمت اول، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، صص. ۱۲۳-۲۰۰.

بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۵۲). آثارالباقیه عن القرون الخالیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: ابن سینا.

پرادا، ایدت، دایسون، رابرت هنری (۱۳۵۷). هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام)، ترجمه یوسف مجیدزاده. تهران: دانشگاه تهران.

جعفری‌دهقی، محمود (۱۳۹۳). تاریخ سیاسی اشکانیان، تاریخ جامع ایران، جلد دوم، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، صص. ۳۶۵-۲۶۵.

خسروزاده، علیرضا (۱۳۹۵). باستان‌شناسی خلیج فارس در دوره اشکانی و ساسانی. تهران: سمت.

خونانی، علیرضا، محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۹۲). خراسن و جایگاه سیاسی و تجاری آن در شاهنشاهی اشکانی. مطالعات تاریخ فرهنگی، ۴(۱۶)، ۱۳۲-۱۱۳.

رضایی‌باغبیدی، حسن (۱۳۸۷). تاریخ زبان‌های ایرانی، مرکز پژوهش‌های زبان دنیا. اوساکا: دانشگاه اوساکا.

سرفراز، علی اکبر و فریدون آوزرمانی (۱۳۸۰). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.

سلوود، دیوید (۱۳۸۹الف). سکه‌های پارتی، در: تاریخ ایران کمبریج از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، جلد سوم، قسمت اول، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، صص. ۳۸۱-۴۰۰.

سلوود، دیوید (۱۳۸۹ب). دولت‌های کوچک جنوب ایران، در: تاریخ ایران کمبریج از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، جلد سوم، قسمت اول، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، صص. ۴۰۱-۴۱۶.

سودایی، بیتا (۱۳۹۱). بررسی اندیشه‌های ایرانی برمسکوکات پارت نخست (۲۴۷-۱۶۸ ق.م). باستان‌شناسی ایران، ۲(۲)، ۴۰-۵۳.

سکه‌های خاراکنه به تدریج رنگ‌وبوی ایرانی به خود گرفتند. در این روند، تصویر شاه بدون ریش و نوشته‌های یونانی بر سکه‌ها، جای خود را به تصویر شاه ریش‌دار و خطوط آرامی داد. اگرچه در برخی نمونه‌ها هنوز نشانه‌هایی از تقلید از سبک یونانی مشاهده می‌شود، اما غالباً عناصر اشکانی بر سکه‌ها غالب‌اند؛ این امر، گواهی روشن از نفوذ اقتصادی و فرهنگی اشکانیان بر شاهک‌نشین خاراکنه است.

منابع

آلتهایم، فرانس، اشتیل، روت (۱۳۸۸). سرآغاز تاریخ پارتیان، در: نوشته‌هایی در باب تاریخ و فرهنگ اشکانیان، از فرانس آلتهایم، مترجم هوشنگ صادقی، چاپ اول. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص. ۱۱-۴۲.

اشمیت، رودیگر (۱۳۸۲). زبان‌های ایرانی میانه در یک نگاه، در: راهنمای زبان‌های ایرانی، زبان‌های ایرانی باستان، ایرانی میانه، جلد اول، ویراستار رودیگر اشمیت، ترجمه فارسی زیرنظر حسن رضایی باغبیدی. تهران: ققنوس.

اشمیت، رودیگر (۱۳۹۲). مدارکی درباره زبان و نام‌های پارتی از عهد اشکانیان، در: امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، گردآوری یوزف ویزهوفر، ترجمه هوشنگ صادقی و دیگران. تهران: فرزانه روز.

افتخاری، یوسف (۱۳۹۷). سکه‌شناسی شاهان خراسن. تهران: پازینه.

اکبرزاده، داریوش (۱۳۸۲). کتیبه‌های پهلوی اشکانی (پارتی). تهران: پازینه.

بروسیوس، ماریا (۱۳۸۸). ایران باستان، ترجمه عیسی عبدی. تهران: نشر ماهی.

بریان، پی‌یر (۱۳۸۶). وحدت سیاسی و تعامل فرهنگی در شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان. تهران: اختران.

باستان، ویراسته و ستاسرخوش کرتیس و سارا استیوارت، ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، تهران: نشر پایان.

گرتیس، و ستاسرخوش (۱۳۹۲). لباس و پوشش سر در دوره اشکانیان، در: امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، گردآوری یوزف ویزهوفر، ترجمه هوشنگ صادقی و دیگران، تهران: فرزانه روز.

گیرشمن، رومن (۱۳۸۹). ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

لوکوک، پیر (۱۳۸۲). کتیبه‌های هخامنشی، ترجمه نازیلا خلخالی، تهران: فرزانه روز.

مالاندرا، ویلیام (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر دین ایران باستان، ترجمه خسرو قلی‌زاده، تهران: کتاب پارسه.

مشکور، محمدجواد (۱۳۷۴). جغرافیای تاریخی ایران باستان، چاپ سوم، تهران: دنیای کتاب.

ملکزاده بیانی، ملکه (۱۳۸۵). تاریخ سکه، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ولسکی، یوزف (۱۳۸۳). شاهنشاهی اشکانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

ولسکی، یوزف (۱۳۸۸). اشکانیان و ساسانیان، در: نوشته‌هایی در باب تاریخ و فرهنگ اشکانیان، از فرانتس آلتهایم، مترجم هوشنگ صادقی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص. ۱۸۷-۱۹۶.

ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۸). تاریخ پارس از اسکندر مقدونی تا مهرداد اشکانی، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه روز.

Abgarians, M. T., & Sellwood, D. G. (1971). A hoard of early Parthian drachms. *The Numismatic Chronicle*, 7(11).

Alram, M. (1986). Arsacids iii. Arsacid coinage. In E. Yarshater (Ed.), *Encyclopaedia Iranica* (Vol. 2, Fasc. 5, pp. 536-540). London and New York.

سنگاری، اسماعیل و علیرضا کرباسی (۱۳۹۹). «تحلیل انتقادی بر مفهوم «فیل‌هلی» بر سکه‌های اشکانی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۲۰(۱)، ۱۷۹-۱۹۸.

سودایی، بیتا، مقسم، ابوطالب (۱۴۰۲). گونه‌شناسی و تحلیل سکه‌های خاراسن در موزه ایران باستان. پیام باستان‌شناس، ۱۵(۲۹)، ۱۱۵-۱۲۶.

شکوری‌فر، ملیحه، نصرالله زاده، سیروس (۱۳۹۵). پیگیری سنت‌های ایرانی در سکه‌های اشکانی. جستارهای تاریخی، ۷(۱)، ۲۱-۴۵.

شهبازی، علیرضاشاپور (۱۳۹۰). جستاری درباره یک نماد هخامنشی فروهر، اهورامزدا یا خورنه؟، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

شول، مونیکا (۱۳۹۲). مدارکی درباره تاریخ و فرهنگ خاراکنه پارتی. امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، گردآوری یوزف ویزهوفر، ترجمه هوشنگ صادقی و دیگران، تهران: فرزانه روز، صص. ۶۲۷-۶۴۲.

شیپمان، کلاوس (۱۳۸۶). مبانی تاریخ پارتیان، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه روز.

غلامی، کیارش (۱۳۹۲). سکه‌های اشکانی بازنگری تاریخ و سکه‌شناسی اشکانیان، تهران: پازینه.

فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۰). تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کالج، مالکوم (۱۳۸۸). اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: هیرمند.

گرتیس، و ستاسرخوش (۱۳۸۹). فرهنگ و جامعه اشکانی، در: بین‌النهرین و ایران در دوره اشکانی و ساسانی. وازنش و باززایی در حدود ۲۳۸ ق.م- ۶۲۴ میلادی، گزارشی از سمینار یادواره ولادیمیر لکونین، ویراسته جان کرتیس، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.

گرتیس، و ستاسرخوش (۱۳۹۰). احیای ایران در دوره پارت‌ها، در: پارت‌ها و روزگاران: پژوهشی در تاریخ ایران

- Assar, G. R. F. (2001). Recent studies in Parthian history: Part II. *The Celator: Journal of Ancient and Medieval Coinage*, 15, 17-22.
- Assar, G. R. F. (2004). Genealogy and coinage of the early Parthian rulers. I. *Parthica*, 6.
- Assar, G. R. F. (2006). A revised Parthian chronology of the period 165-91 BC. *Electrum*, 11, 87-158.
- Boyce, M. (1986). Arsacid iv. Arsacid religion. In *Encyclopaedia Iranica* (Vol. 2, Fasc. 5).
- Curtis, V. S. (2007). Religious iconography on ancient Iranian coins. In J. Cribb & G. Herrmann (Eds.), *After Alexander: Central Asia before Islam* (Proceedings of the British Academy, 133). Oxford.
- Debevoise, N. (1938). *A political history of Parthia*. University of Chicago Press.
- Ellerbrock, U. (2013). Religiöse Ikonographie auf parthischen Münzen: Der Einfluss politisch-gesellschaftlicher Veränderungen auf das Bild der Göttin Tyche im Parthischen Reich. *Iranica Antiqua*, 48.
- Gariboldi, A. (2004). Royal and ideological patterns between Seleucid and Parthian coins: The case of θεοπάτωρ. In R. Rollinger & Ch. Ulf (Eds.), *Commerce and monetary systems in the ancient world: Means of transmission and cultural interaction* (Melammu Symposia V). Stuttgart.
- Haruta, S. (2013). Aramaic, Parthian, and Middle Persian. In D. T. Potts (Ed.), *The Oxford handbook of ancient Iran*. Oxford University Press.
- Hill, G. F. (1922). Attambelos I of Characene. *Numismatic Notes and Monographs*, 14, 1-12. American Numismatic Society.
- Neusner, J. (1963). Parthian political ideology. *Iranica Antiqua*, 3.
- Newell, E. T. (1925). Mithradates of Parthia and Hyspaosines of Characene: A numismatic palimpsest. *American Numismatic Society*, 26, 1-18.
- Olbrycht, M. J. (1997). Parthian king's tiara: Numismatic evidence and some aspects of Arsacid political ideology. *Notae Numismaticae*, 2.
- Olbrycht, M. J. (2010). The early reign of Mithradates II the Great in Parthia. *Anabasis*, 1.
- Olbrycht, M. J. (2011). The titulature of the first Arsacids and its religious connotations. In L. Mrozewicz & K. Balbuza (Eds.), *The world of antiquity, its Polish researchers and the cult of the ruler*. Poznań.
- Potts, D. T. (1988). Arabia and the Kingdom of Characene. In D. T. Potts, *Araby the Blest: Studies in Arabian archaeology* (pp. 137-167). University of Copenhagen: Museum Tusculanum Press.
- Rezakhani, K. (2013). Arsacid, Elymaean and Persid coinage. In D. T. Potts (Ed.), *The Oxford handbook of ancient Iran*. Oxford University Press.
- Sellwood, D. (1976). The drachms of the Parthian "Dark Age." *Journal of the Royal Asiatic Society*, 108.
- Sellwood, D. (1980). *An introduction to the coinage of Parthia* (2nd ed.). London: Spink and Son Ltd.
- Shahbazi, A. Sh. (1986). Arsacid i. Origins. In *Encyclopaedia Iranica* (Vol. 2, Fasc. 5).
- Sinisi, F. (2012a). The coinage of the Parthians. In W. E. Metcalf (Ed.), *The Oxford handbook of Greek and Roman coinage*. Oxford University Press.
- Sinisi, F. (2012b). *Sylloge Nummorum Parthicorum* (Vol. VII, Vologases I-Pacorus III). Wien: Österreichische Akademie der Wissenschaften.
- Tafażżolī, A. (1986). Āraš Kay. In *Encyclopaedia Iranica* (Vol. 2, Fasc. 3).